

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۲۰۲۰۱۰

تحلیل طبقات جامعه افغانستان

به ادامه گذشته:

مناسبات سرمایه داری بعد از یازده سپتمبر

با اشغال کشور به وسیله نیروهای امریکائی، انگلیسی، المانی، فرانسوی، ایتالوی و لاشخواران دیگر سرمایه و تشکیل دولت دست نشانده، اقتصاد بازار که راه سرمایه گذاری و صدور سرمایه کمپنی های امپریالیستی را به افغانستان هموار می کرد، در بُن فیصله و بعد در قانون اساسی ۱۳۸۳ نیز به تصویب رسید، لذا از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ در تمام بخش ها (در ادامه تشریح می گردند) ظاهراً ۸.۳ میلیارد دالر سرمایه گذاری صورت گرفت و اما چون تنها در بخش ساختمانی ۴ میلیارد دالر سرمایه گذاری شد، پس این رقم کمتر از اصل سرمایه گذاری در این مدت می باشد. سرمایه گذاران خارجی درین دوره برای فرار از پرداخت مالیه، اصل پول سرمایه گذاری شده خود را نشان نداده و دولت پوشالی هم توان چنین حساب و کتابی را با آن ها ندارد، این در حالی است که استثماریان خارجی تنها در بخش تجارت، ۲۰۱ شرکت رسمی دارند و حجم تجارت آن ها چند برابر شرکت های افغانی و مختلط تجاری می باشد. علاوه بر بیشترین و قیمتی ترین صادرات افغانستان را تریاک می سازد که به تنهایی درآمد آن چند برابر درآمد تمام صادرات افغانستان است. آثار باستانی، برخی از سنگ های قیمتی و چوب چهارتراش که مانند تریاک قاچاق و خارج از کنترل دولت صادر می گردند، به روشنی نشان می دهد که مقدار سرمایه گذاری در بخش های مختلف تولید و تجارت در کشور ما، سر به میلیاردها دالر می زند. به این صورت می بینیم که چقدر پول خارج از کنترل دولت سرمایه گذاری شده و چه مقدار سود به دامن خارجی ها می ریزد. آمار رسمی (که نمی توان به آن اعتماد کرد) نشان می دهد که از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹، ۶۶ درصد سرمایه گذاری در افغانستان داخلی (کمپادوری و ملی) و ۳۱ درصد سرمایه گذاری های مستقیم کمپنی های خارجی بوده است. درین مدت تیوریسن های اقتصاد بازار چون اشرف غنی احمدزی، حمیدالله فاروقی، عمر زاخیلوال، انوارالحق احدی، خان جان الکوزی، مینه شیرزی، امین فرهنگ، دلاوری، محمود کرزی و غیره با مجلاتی چون ثروت، پانگوالی،

اقتصاد، بانک، بازار آزاد و غیره به تیوریزه کردن و القاء خوبی های این اقتصاد در ذهنیت عمومی فعالیت داشته اند.

اداره حمایت از سرمایه گذاری یا «آیسا» به کوشش اشغالگران المانی ایجاد و در کنار آن «USAID» (اداره بین المللی کمک های انکشافی امریکا) که در پشت سر آن سازمان سیا قرار دارد، نیز در تقویت اقتصاد بازار دست به کار شد. اداره دیگری به نام «کوپس آف انجینیرنگ» نیز از سوی دولت امریکا در کابل تأسیس گردید که پروژه های پایگاه سازی های بزرگ و همکاری و هدایت «پی آر تی» ها را بر عهده دارد. بخش اعظم ۳۷ میلیارد دالر به اصطلاح کمک امریکا به افغانستان از طریق این اداره به مصرف رسیده که حال خود امریکائی ها با این دستگاه های فاسد امپریالیستی به فساد خود اعتراف می کنند. کمپنی امریکائی «بلک واتر» در بخش امنیتی که سی هزار نیرو در سطح جهان دارد و عمدتاً از قاتلان و لومپن های امریکائی و غیر امریکائی تشکیل شده است؛ «کمپ ایگل» که قرارداد موثرهای زرهی و کارهای ساختمانی را اجاره می گیرد و بعد بر کمپنی های دیگر به فروش می رساند؛ «لوپس برجر» که بیشترین کارهای ساختمانی و سرک سازی را اجاره می گیرد و یکی از فاسدترین کمپنی های امریکائی است و به سران دولت بوش نزدیک می باشد؛ «ستريت گروپ» که کارهای ساختمانی، سرک سازی و انتقالات را بر عهده دارد؛ اداراتی اند که بیشترین فساد در افغانستان داشته اند. علاوه «فیدکس» که کارهای پستی را عهده دار است، «بیرینگ پاینت» که قراردادهای کمپنی های امریکائی را در افغانستان سازمان می دهد، انستیتوت ملی دموکراسی امریکا که در تیوریزه کردن فکر بورژوائی و تقویت نهادهای جامعه مدنی فعال است (ملک ستیز، سیحون، سپنتا، داکتر اکبر اکبر، شکریه بارکزی، لطف الله مشعل، نجیب الله منلی، سمندر، دانش کروخیل، عبدالحمید مبارز، اعظم دادفر، امین فرهنگ، حنیف اتمر، سعد محسنی، سهیل سنجر، خالد خسرو، نورالحق علومی، میراحمد جوبنده، نوریه اشرف و غیره کسانی اند که درین تیوریزه کردن نقش مهمی دارند)، اداره امریکائی «سم ون» که پیشبرد پروژه های امریکائی را در افغانستان سازمان می دهد و کمپنی «سوپر» که به کار ساختمانی مصروف است و اخیراً متهم به ساختن پاسپورت های جعلی شده است، بخش اعظم این پول ها را دزدیده و وزیر مالیه دولت پوشالی (عمر زاخیلوال) فقط از رسیدن هفت میلیارد دالر به افغانستان خبر می دهد. بانک جهانی و بانک انکشاف آسیائی برای استقرار چنین اقتصادی در جهت تقویت بورژوازی کمپرادور، آخرین تلاش شان را به خرج می دهند. بانک جهانی تا جنوری ۲۰۰۹ مبلغ ۱۸۹۰ میلیون دالر که ۱۴۵۰ میلیون آن بلاعوض و ۴۴۰ میلیون آن به طور قرضه است، به افغانستان پول فرستاده است. علاوه از این ها مؤسسه کمک انگلیسی DEFID، مؤسسه جرمنی GTZ، مؤسسه دنمارکی DCA، مؤسسه سویسی SDC، مؤسسه کمکی نارویژی NCR، مؤسسه تف یا ایشیا فاوندیشن، کمپنی چینی MCC، مرکز فرهنگی فرانسه، مؤسسه المانی FES، میدیوتیک المان و جایکای جاپان مؤسساتی اند که هر یک برای سرمایه گذاری های خود و استقرار نظام بورژوائی و بالاخره چاپیدن شیره جان هموطنان ما سخت تلاش دارند. در کنار این ها، کمپنی هائی که برای اهداف شوم استثماری به افغانستان آمده اند، زیر نام مؤسسات کمک کننده کار می کنند و برای این که اهداف اساسی شان را پنهان کنند، گاه به کارهائی زیر نام بازسازی نیز دست می زنند. علاوه به این مؤسسات و کمپنی ها، اکنون ۷۰۰ قراردادی خارجی و داخلی نیز در افغانستان کار می کنند که در بخش داخلی ها خانواده های کرزی، فهیم، خلیلی، رحیم وردک و جنرال بابیه جان از فاسدترین ها بوده و با خدعه و زور پول های کلانی را ازین درک به جیب می زنند. حامد پسر رحیم وردک از درک دیوارها و چک های سمنتی که به کمک پدرش قرارداد می شود به سرمایه های افسانه ئی دست یافته، به این خاطر ایجاد برخی از دیوارهای سمنتی در کابل به خاطر امنیت نه که به خاطر این قراردادهای پول آوری مطرح

می گردد.

از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ حدود ۱۶۰۵۶ شرکت در دفتر آيسا راجستر شده که ۷۸ درصد آن داخلی و ۲۲ درصد آن خارجی می باشند. ازین میان ۵۵ درصد در سکتور ساختمانی، ۲۵ درصد در سکتور خدمات، ۱۶ درصد در سکتور صنعت و ۴ درصد در سکتور زراعت سرمایه گذاری دارند. این شرکت ها درین مدت بیش از ۶۵۴۴۷۵ شغل جدید ایجاد کرده که ۵۵ درصد آن به وسیله شرکت های داخلی و ۴۵ درصد دیگر به وسیله شرکت های خارجی خلق شده است. ازین شغل ها ۵۳ درصد در سکتور ساختمانی، ۲۸ درصد در خدمات، ۱۴ درصد در صنعت و ۵ درصد در زراعت می باشد.

در راستای تقویت اقتصاد خصوصی دو نوع شهرک صنعتی، یکی به کوشش وزارت تجارت در کابل، هرات و کندهار تأسیس و دیگری به کوشش اداره آيسا در شهرهای کابل، هرات، مزار و کندهار در دست ایجاد اند که بیشترین مصارف ساختمان شهرک های جدید آيسا به پول و سرمایه گذاری «یو اس ای آی دی» صورت می گیرد. در مدت هشت سال گذشته ۱۷ بانک خصوصی، دولتی و شاخه های بانک های بیرونی در افغانستان به فعالیت آغاز کرده اند. مناسبات سرمایه داری که بیشتر شاخص آن فعالیت های بانک هاست، بیشتر در کابل احیاء گردیده و قرضه های که بانک ها درین مدت به مشتریان شان پرداخته، نسبت به تمام افغانستان در کابل بیشتر متمرکز بوده است و این نشان می دهد مناسبات سرمایه داری بیشتر در کابل احیاء گشته و در اکثر نقاط کشور مردم با پیشرفت های بورژوازی همگامی نداشته اند و با همان نظام ارباب رعیتی زندگی می کنند.

با تمام تلاش های امپریالیستی برای احیای مناسبات سرمایه داری در افغانستان، تا هنوز شهرهای کشور رشدنیافته باقی مانده و افغان ها در مجموع از هر ۱۰ فامیل، ۹ فامیل در یک حویلی یک اتاقه و یا دو اتاقه زندگی می کنند. با اینکه مناسبات سرمایه داری در کابل بیشتر احیاء گشته، اما ۷۰ درصد مردم کابل در اماکن غیر قانونی زندگی دارند. در پایتخت شبکه آبرسانی، فاضلاب، شبکه منظم برق، پارکینگ و تشناب وجود ندارد و بیشتر جاده های آن شباهتی به جاده های معیاری شهری ندارد. تقاضا برای مسکن در ۲۰۰۶ در افغانستان یک میلیون واحد، در ۲۰۱۰ به ۱.۲۵ میلیون واحد و در ۲۰۱۴ به ۱.۵ میلیون واحد خواهد رسید. در افغانستان کمتر از ۱۰ درصد مردم به برق دسترسی دارند و ۸۵ درصد مردم از چوب سوخت استفاده می کنند که ازین رهگذر افغانستان در جهان در صدر جدول قرار دارد، به این خاطر تنها در شهر کابل روزانه ده نفر از اثر هوای آلوده جان می دهند.

تجارب هشت ساله اشغال کشور به وسیله نیروهای امپریالیستی که در آن چور، چپاول، فقر عمومی، بیکاری، زورسالاری، فساد اداری، تفاوت طبقاتی، کار شاقه اطفال، گدائی، تن فروشی، مرگ و مرض، ناامنی و غیره از شوخی های روزگار می باشد، مردم افغانستان به ماهیت اصلی اشغال و شناخت امپریالیست ها کمتر مشکلی ندارند که این را در هشت سال گذشته با به راه انداختن بیش از دو هزار تظاهرات و اعتصاب به آسانی می توان محک زد که بیشتر آن ها بر ضد حضور خارجی ها به سرمداری امریکا صورت گرفته است.

اما بستر این سرمایه گذاری ها در کشور ما عبارتند از:

۱- بخش تجارت و صنعت حمل و نقل:

این بخش شامل مشوره، بازاریابی و اعلانات (مصرف سالانه اعلانات در افغانستان ۲۰ میلیون دالر می باشد)، ارتباط عامه، شرکت های ترابری، باراندازها در بنادر، خدمات گمرکی و بارچلانی می باشد. امپریالیست ها به خاطر موقعیت جیوپولیتیکی افغانستان، همیشه تلاش داشته تا کشور ما را به جامعه مصرفی و گدا مبدل سازند و

چون این نگرش امپریالیستی بعد از یازده سپتمبر عمیقتر شده، لذا توجه به این بخش بیشتر گردید.

شرکت ها و تاجران انفرادی که از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ جواز گرفته و به کار واردات و صادرات مصروف اند، در مجموع ۵۶۹۴۶ شرکت بوده که ۳۴۱۲۳ شرکت داخلی، ۳۵۸ شرکت خارجی و ۱۶۰ شرکت بارچلانی ترانزیتی و ۲۰۶۴۱ تاجر انفرادی را در بر می گیرد. اما حال ۲۵۰۰۰ شرکت تجارتي فعال اند که سرمایه هر شرکت از ۵۰ هزار تا ده میلیون دالر و تاجران انفرادی از ۳۰ تا ۱۵۰ هزار دالر سرمایه دارند، اما شرکت های الکوزی، سپین غر و تولید سمنت صاحب بیش از ۴۰ میلیون دالر سرمایه اند. تعداد تاجران خُرد و بزرگ در سراسر کشور در مجموع از ۳۰۰ هزار نفر زیاد بوده که تعدادی از آنان به کار تولیدی هم مصروف می باشند.

این شرکت ها که بیشتر در بخش واردات و صادرات کار می کنند، نشان می دهد که بازارهای افغانستان به چه پیمانه در خدمت کمپنی های امپریالیستی قرار دارند. این شرکت ها عموماً در دو بخش کمپرادوری و ملی فعالیت دارند و در حقیقت بخش عمده جامعه نیمه سرمایه داری ما با سرمایه گذاری های تجاری رقم خورده است. افغانستان محاط به خشکه است، لذا واردات و صادرات آن از طریق ایران (۳۰ درصد با دو بندر میلک در نیمروز و اسلام قلعه در هرات)، پاکستان (۶۰ درصد با دو بندر تورخم در جلال آباد و سپین بولدک در کندهار) و آسیای میانه (۱۰ درصد با ترکمنستان از طریق بندر تورغندی در هرات، با ازبکستان از طریق بندر حیرتان در مزار و با تاجکستان از طریق بندر شیرخان در کندز) صورت می گیرد که با فعالیت جدید بندر چاه بهار در ایران و توجه تاجار افغانی به این راه نزدیک، در آینده حجم تجارت ازین طریق افزایش خواهد یافت.

این تجارت که به دو شیوه شکل گرفت، نخست با رابطه و سرمایه گذاری های مستقیم کمپنی های سرمایه داری که سرمایه داران دلال در خدمت آن قرار گرفتند؛ ثانیاً در رابطه با واردات و صادرات کمپرادوری کشورهای منطقه چون ایران، پاکستان، ترکیه، چین، هند، کوریای جنوبی و روسیه که بازارهای کشور در کنترل شاخه هائی از کمپنی های خارجی مقیم این کشورها درآمدند و این شاخه ها به «ایجنسی» معروف اند، ازین طریق پاکستانی ها سالانه به ارزش ۱۵۰۰ میلیون و ایرانی ها ۱۰۰۰ میلیون دالر تجارت کرده، سودهای کلانی به دست می آورند.

وارداتی که در سال ۲۰۰۸ در افغانستان با نمایندگی انحصاری و یا تجارت انفرادی و آزاد صورت گرفته، عبارت است از:

شماره	واردات	ملیون دالر
۱	ماشین آلات، وسایط ترانسپورتی و پرزه جات	۵۷۵.۷
۲	مواد نفتی و روغنیات	۵۴۷
۳	فلزات و محصولات فلزی	۴۳۲.۲
۴	روغن نباتی	۱۶۳.۲
۵	گندم و آرد گندم	۱۶۲.۴
۶	تایر و تیوب	۱۱۵.۳
۷	منسوجات	۷۰
۸	چای	۴۰
۹	سگرت	۳۳.۶

۱۰	البسه	۱۰
۲۳.۴	شکر	۱۱
۲۱.۳	صابون	۱۲
۸۲۲	سایر اشیا	۱۳

به اینصورت جمع واردات کشور در سال ۲۰۰۸ بیشتر از ۳.۲ میلیارد دالر بوده است. اما درین سال صادرات کشور عبارت بود از:

شماره	صادرات	ملیون دالر
۱	میوه خشک	۲۴۴.۵
۲	قالین	۱۵۰.۵
۳	میوه تازه	۴۱.۵
۴	نباتات گیاهی	۲.۱
۵	پوست	۲۰.۴
۶	پوست قره قل	۱۳.۷
۷	پشم و موی حیوانی	۵
۸	نباتات تیلی	۳.۴

سایر اشیا که شامل شیرین بویه، هنگ سفید، هنگ سرخ، کاغذ باطله، زیره سیاه و سفید، زیتون، بُربو، پلاستیک باطله، پوست، روده و شکمبه، حبوبات، سرش کاهی، سمارق و برنج سفید می شود، ارزش آن ۴۳.۸ ملیون دالر بود که جمله صادرات افغانستان درین سال به ۵۴۴ ملیون دالر رسید. این در حالی است که به خاطر نبودن بسته بندی درست در صادرات افغانستان ۲۰ تا ۴۰ درصد اشیای صادراتی افغانستان از میان می رود. در همین سال تولید مواد مخدر به ۷۷۰۰ تن رسید. چون نزدیک به ۷۰۰ تن مصرف داخلی و عوارض دیگری مثل مصادره مواد مخدر با قاچاقچیان و غیره را می ساخت؛ ۷۰۰۰ تن تریاک از روی زمین به فروش رسید که در آن سال قیمت فی کیلو گرام تریاک ۷۰ دالر بود که بطور مجموعی ارزش صادرات آن به ۵۰۰ ملیون دالر رسید که به این صورت مجموع صادرات افغانستان درین سال یک میلیارد دالر شد. علوئاً درین سال برخی از سنگ های قیمتی، آثار تاریخی بسیار قیمتی و چوب چارتراش نیز به صورت قاچاق به خارج صادر گردید که ارزش آن ها را به صورت مشخص نمی توان ذکر کرد.

صادرات افغانستان در ۲۰۰۸ به ۳۷ کشور جهان:

شماره	کشور	ملیون دالر
۱	پاکستان	۷۴
۲	هندوستان	۴۳

۳	عراق	۱۵
۴	ایران	۱۰
۵	روسیه	۱۰
۶	امارات	۹
۷	کانادا	۸
۸	ترکیه	۴
۹	سوریه	۴
۱۰	بلژیک	۴
۱۱	آلمان	۲
۱۲	آمریکا	۲
۱۳	ترکمنستان	۲
۱۴	جمهوری خلق چین	۱
۱۵	عربستان	۱
۱۶	متباقی کشورها	کمتر از یک

علاوۀ افغانستان به عنوان چارراهی برای انتقال برخی کالاهای کُشورهای چین ایران و پاکستان نیز مورد استعمال قرار می گیرد. برخی از کالاهائی که از سرمایه گذاری های امپریالیستی در کشورهای دیگر، مخصوصاً ایران، پاکستان و امارات متحده (دبی) به دست می آید، افغانستان را به عنوان بازار فروش قرار می دهد. توريد تمامی این اشیاء شکل انحصاری دارد و کمپرادورانی به این کار مصروف اند که بعد از توريد، آن ها را به سرمایه داران کوچک در افغانستان تحویل می دهند.

برای حمل و نقل چنین تجارت پر حجمی که افغانستان نه آب و کشتی و نه خط آهن و ریل دارد، بیشترین انتقال توسط موتر و طیاره صورت می گیرد. در افغانستان ۴۰۰ شرکت حمل و نقل هوائی وجود دارد که بیشتر در کابل مستقر می باشند. برخی ازین شرکت ها خارجی می باشند و بیشترین امتیازات را آن ها می گیرند و حدود ۱۱۰۰۰ نفر درین شرکت ها کار می کنند.

چهار کمپنی هوائی (آریانا، صافی، کام ایر و پامیر) در افغانستان فعالیت دارند که علاوه بر انتقال مسافر، کالاهای تجاری را نیز به هند، دبی، ترکیه، عربستان سعودی، کویت، روسیه و آلمان منتقل می سازند. شرکت آریانا، انحصار هندلینگ تمام میدان های هوائی کشور را در اختیار دارد. چون روز تا روز ناامنی های ناشی از اشغال، راه های حمل و نقل زمینی را با تهدید روبرو می سازد، لذا کار کمپنی های هوائی رونق بیشتر یافته و چند کمپنی دیگر در حال کسب جواز می باشند. روزانه ۳۰۰ تا ۳۵۰ پرواز از میدان هوائی کابل صورت می گیرد. امریکائی ها تصمیم به ساختن ۱۴ میدان دیگر در ولایت های دیگر افغانستان دارند. طیاره های «ایربس»، «بوینگ» و «ان ۳۲» در مسیر دبی علاوه بر انتقال مسافر، کالاهای تجار را نیز منتقل می سازند. چون از طریق هوائی انتقالات بسیار مصرف دارد، لذا کالاهای تاجران از طریق دریا و بنادر کراچی، بندر عباس و چاه بهار به افغانستان وارد می گردد. ۹۵ درصد واردات و صادرات افغانستان به وسیله لاری های بنز، هینو، کاماز، اسوزو و والوو صورت می گیرد که شامل ۱۶۰ شرکت ترانزیتی بوده، ترک های افغانی این شرکت ها به ۱۳۵۰ می رسد و به همین مقدار هم افراد و کمپنی های انفرادی موتر و تانکر دارند. همچنان ترک های پاکستانی و ایرانی نیز در انتقال مال التجاره افغانستان سهم اند. کارگران این بخش شامل دریوران موترهای لاری، باراندازان، محافظان

ستاک ها، رانندگان کرن ها و غیره می باشند و جزئی از طبقه کارگر افغانستان به حساب می آیند که تعداد شان در مجموع به ۵۰۰۰ نفر می رسد. این بارها که روزانه به هزاران تن متریک می رسد، تنها در ۴ فصل ۲۵۰۰۰۰ تن سبزی از بندر تورخم به پاکستان انتقال می یابد که به وسیله بازوان سبتر کارگران این بخش، بار، انتقال و تخلیه می شود. یکی از تصدی های مهم انتقالی، تصدی نمبر چهار کاماز می باشد که قبل از حمله امریکائی چهار بخش داشت و در جریان حملات یازده سپتمبر سه بخش آن از بین رفت. بخش باقیمانده در حال حاضر ۲۴۰ عراده موتر دارد، جمعاً از دریور تا تخنیکر و پرسونل اداری، بیش از ۳۴۰ نفر در آن به کار مصروف اند و بخش اعظم آنان را افراد حرفه ئی و کارگر ماهر تشکیل می دهند که در بخش پرسونل دولتی محاسبه می شوند.

ادامه دارد